

اولین فیلم پس از ۲۰ سال فعالیت

چالش‌های ساخت فیلم اول
به روایت کارگردان
فیلم «قمارباز»

محسن بهاری، از کارگردان‌های جوانی که امسال در جشنواره حضور دارد نخستین فیلم بلندش را با موضوع جنگ ۱۲ روزه ساخته است. کارگردان فیلم سینمایی «قمارباز» درباره فیلم خود گفت: فضای معمایی علاقه شخصی و همیشگی من بوده و این فیلم نیز در همین فضا شکل گرفته است.

داستان فیلم به‌طور کامل در یک شب روایت می‌شود و محور اصلی آن یک معمای جاسوسی است. این کارگردان درباره زمان آغاز پروژه گفت: ما ۱۶ آذرماه فیلمبرداری را آغاز کردیم و پیش از آن حدود یک ماه و نیم پیش تولید داشتیم. روند تولید، مثل خیلی از فیلم‌هایی که با حمایت نهادها ساخته می‌شود، با مشکلات زمانی مواجه شد.

در مجموع، تا حدود ۲۵ جلسه فیلمبرداری داشتیم و دهه اول دی‌ماه کار به پایان رسید. وی درباره خط اصلی داستان توضیح داد: ماجرا در بستر وقایع جنگ ۱۲ روزه اتفاق می‌افتد. در این مقطع، یکی از بانک‌ها هک و فردی از بانک مرکزی بازداشت می‌شود و ادامه داستان شکل می‌گیرد. تمام روایت فیلم در همان شب شکل می‌گیرد.

البته ما ورودی به ماجرای بازداشت یا اعتراف نداریم، بلکه تمرکز فیلم بر مواجهه با جنگ است که تا صبح ادامه دارد. بهاری با اشاره به وضعیت ژانر معمایی در سینمای ایران گفت: در سینمای ایران، ورود به این ژانر اغلب مستلزم حضور نهادهای دولتی، پلیسی یا امنیتی در بطن روایت است. با این حال، برای من اصل کار قصه بود. وقتی قصه جذاب باشد، این ملاحظات در اولویت دوم قرار می‌گیرد. این کارگردان درباره نخستین تجربه ساخت فیلم بلند خود گفت: این نخستین فیلم بلند سینمایی من است، اما بیش از ۲۰ سال است که در سینما فعالیت داشته‌ام و حدود ۱۶ یا ۱۷ سال به‌عنوان منشی صحنه با نسل‌های مختلف سینماگران همکاری کرده‌ام. خوشبختانه در این سال‌ها در پروژه‌های قابل‌قبولی حضور داشته‌ام و از نظر ارتباط با بدنه حرفه‌ای سینما با مشکلی مواجه نبودم. بهاری در ادامه به یکی از مهم‌ترین چالش‌های فیلم‌اولی‌ها اشاره کرد و گفت: چالش اصلی نه پیدا کردن تهیه‌کننده، بلکه پیدا کردن سرمایه‌گذار است.

در واقع اگر سرمایه‌گذار داشته باشید، یافتن تهیه‌کننده کار دشواری نیست. تضمینی وجود ندارد که سرمایه جذب شود. آن دوره‌ای که در اواسط دهه ۹۰ برخی فیلم‌ها صرفاً با اتکا به فیلمنامه وارد تولید می‌شدند، عملاً گذشته است. این کارگردان اضافه کرد: سرمایه‌گذار خصوصی در سینمای امروز بسیار محدود شده و عملاً وجود ندارد، ولی وضعیت در سینمای کم‌دی کمی متفاوت است.



من و مهدویان رقیب نیستیم

گفت‌وگو با ابراهیم امینی، کارگردان فیلم «سقف»



ساخته و فیلمنامه‌هایی برای محمدحسین مهدویان که از دهه ۸۰ با هم کار کرده‌اند، نوشته است، از جمله «ایستاده در غبار» که در آن بازی هم کرد، «لاتاری»، «ماجرای نیمروز» و «مرد بازنده». او در این گفت‌وگو از تجربه ساخت این فیلم و همکاری‌اش با مهدویان گفته است.

◀ شقایق عرفی‌نژاد

«سقف» فیلمی درباره جنگ ۱۲ روزه است و ماجرای خانواده‌ای را روایت می‌کند که در این مدت خارج از تهران زندگی می‌کنند. این فیلم ساخته ابراهیم امینی است که پیش از این فیلم «چشم‌بادومی» را

شما را به‌عنوان فیلمنامه‌نویس و به‌خاطر

همکاری‌هایتان با محمدحسین مهدویان می‌شناسیم. چطور شد که سراغ فیلمسازی رفتید و کارگردانی کردید؟

واقعیت این است که من در همکاری‌هایم با مهدویان ۲ بخش را دنبال می‌کردم: یکی بازیگری و یکی فیلمنامه‌نویسی. اما چون در تئاتر کارگردانی کرده بودم، این علاقه به کارگردانی در من وجود داشت. ولی شرایط حاکم بر فیلمنامه‌نویسی من و خیلی از هم‌صنف‌هایم را ناگزیر از کارگردانی می‌کند، به این دلیل که فیلمنامه‌نویسی جایگاهی در سینمای ایران ندارد. شرایط از نظر مالی، اعتباری و ساختار تولید طوری چیده شده که اگر سودای بیشتری برای پیشرفت داشته باشید، به نظر می‌رسد در فیلمنامه‌نویسی به آن نمی‌رسید. بنابراین باید مسیرتان را تغییر بدهید و به سمت کارگردانی بروید. به جای اینکه بگویم از اول به کارگردانی علاقه داشتم، واقعیت را می‌گویم، چون به دلایلی که گفتم، بعد از مدتی از فیلمنامه‌نویسی خسته می‌شوید و به این فکر می‌کنید که چرا کارگردانی نکنم.

فیلم اولتان «چشم‌بادومی» یک سوژه

نوجوانانه دارد. چه شد که برای فیلم دوم سراغ سوژه متفاوتی رفتید و درباره جنگ ۱۲ روزه فیلم ساختید؟

قبل از این جنگ طرح‌های دیگری داشتم که دوست داشتم آنها را کار کنم، ولی وقتی جنگ پیش آمد، احساس کردم باید درباره این دوران کار کنم. ضمن اینکه بعد از این اتفاق، دیگر ساخت فیلم با موضوعاتی که من در نظر داشتم از نظر تأمین سرمایه سخت بود و بنابراین تصمیم گرفتم این سوژه را کار کنم. در هر حال، بین این فیلم و فیلم قبلی‌ام شباهت‌هایی وجود دارد تا بین کارهایم خط و ربطی وجود داشته باشد. مثلاً موضوع خانواده در هر دو فیلم مورد توجهم بوده است. در «چشم‌بادومی» قصه یک خانواده را داریم و اینجا هم داستان یک خانواده را داریم که سعی می‌کنیم به آنها نزدیک شویم. چیزی که در فیلمسازی مورد علاقه من است این است که روی آدم‌ها درنگ کنیم و سعی کنیم آنها را در موقعیت‌های پیچیده و سخت بشناسیم.

فیلم را برای همین بخش از جشنواره و فیلم‌های ویژه

جنگ ۱۲ روزه ساختید؟

نه، بعدها البته فراخوانی از سمت فارابی شکل گرفت و فضا به این سمت رفت که حس کردیم در جشنواره بخشی برای فیلم‌هایی درباره جنگ ۱۲ روزه خواهیم داشت، ولی برای من قبل از اینها شروع شد.

درباره داستان فیلم بر ایمان توضیح بیشتری می‌دهید؟

«سقف» درباره خانواده‌ای است که در زمان جنگ ۱۲ روزه مجبور می‌شوند خانه‌شان را در تهران ترک کنند و مدتی را در کنار هم خارج از تهران و جایی که متعلق به خودشان نیست بگذرانند. این مسئله‌ای است که بسیاری از ما از سر گذرانده‌ایم. من عادت دارم بعضی چیزها را به شکل روزانه می‌نویسم. این خاطرات را هم به شکل روزانه می‌نوشتم و زمانی که هنوز جنگ تمام نشده بود، داستان کوتاهی با این موضوع نوشتم. بعدتر احساس کردم ظرفیت دراماتیک دارد و می‌تواند تبدیل به فیلم شود. ضمن اینکه تجربه مشترک خیلی از ما بود.

مهدویان هم با فیلمی با همین موضوع در جشنواره حضور دارد که حتماً همزمان با فیلم شما در حال ساخت بوده است. چقدر با هم درباره کارها تبادل فکری داشتید؟

در این مدت به‌دلیل اینکه مشغول کار بودیم چندان با هم در ارتباط نبودیم. بنابراین از احوال هم باخبریم، ولی از پروژه‌های هم خبر نداریم.

الان شما و مهدویان در جشنواره رقیب هم هستید؟

نه. آدم با استاد خودش که رقابت نمی‌کند. فقط فیلم‌هایمان با هم داوری می‌شوند. من از خیلی قدیم کارم را با مهدویان در دوران دانشجویی و کارهای غیر حرفه‌ای شروع کردم. این سیری که در این ۱۰ یا ۱۵ سال با هم طی کرده‌ایم پر از لحظه‌های به‌یادماندنی بوده و همین‌طور پر از آموزش. الان هم موقعیت پیچیده‌ای است، به‌دلیل اینکه همیشه با هم در یک فیلم بوده‌ایم، اما الان تکثیر شده‌ایم. من و مهدویان و سجاد پهلوان‌زاده و هادی حجازی‌فر با هم کار را شروع کردیم و هر کدام هم کارگردانی کرده‌ایم. انگار گروه ما گسترش پیدا کرده و توانسته تجربه‌هایش را تکثیر کند.

من در همکاری‌هایم با مهدویان ۲ بخش را دنبال می‌کردم: یکی بازیگری و یکی فیلمنامه‌نویسی. اما چون در تئاتر کارگردانی کرده بودم، این علاقه به کارگردانی در من وجود داشت. ولی شرایط حاکم بر فیلمنامه‌نویسی من و خیلی از هم‌صنف‌هایم را ناگزیر از کارگردانی می‌کند، به این دلیل که فیلمنامه‌نویسی جایگاهی در سینمای ایران ندارد



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44nd

FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۹ - شماره ۳